

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقشه

سطح ۲

درس ۱

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی
آموزشیار: آقای خادمی

مقدمه

ازدواج از اموری است که در شریعت مقدس اسلام بر آن تاکید شده است. از آیات و روایت استفاده می‌شود که نکاح آثار و فوائد فردی و اجتماعی فراوانی دارد.^۱

در این درس نخست، برخی از کلیات مبحث نکاح بیان می‌شود این مباحث عبارت‌اند از:

الف: تعریف نکاح

ب: راه‌های مشروع جواز استمتاع زن و مرد از یکدیگر

ج: اقسام عقد دائم و منقطع

ج: شرایط صیغه عقد از قبیل ایجاب و قبول لفظی، اعتبار عربیت و ماضویت در صیغه عقد.

ه: جواز توکیل در اجراء عقد

و: لزوم نیاز به اذن پدر یا جد پدری برای ازدواج دختر باکره و عدم نیاز به اذن ولی برای ازدواج غیر باکره.

در ادامه ادله برخی از این احکام بیان می‌شود.

۱. دلیل بر استحباب نکاح: استحباب نکاح از مسلمات است و شیعه و سنی به آن تصریح کرده‌اند بلکه بعضی استحباب نکاح را ضروری دین می‌دانند. در قرآن کریم آمده است «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». این آیه مشتمل بر تأکیدات مهمی است: نکته اول: آیه می‌فرماید مقدمات نکاح ایامی و عزاب را فراهم کنید و چون مخاطب همه مردم هستند، نشان می‌دهد که مسأله خیلی مهم بوده که از همه کمک خواسته شده است. پس به قیاس اولویت از امر به فراهم کردن مقدمات به استحباب نکاح پی می‌بریم، چون وقتی فراهم کردن مقدمات مستحب باشد خود ازدواج به طریق اولی مستحب خواهد بود.

متن عربى

متن: النكاح و بعض أحكامه

جواز الاستمتاع بالمرأة يثبت بامرین:

أ. النكاح- الزواج- و هو عقد يتضمن إنشاء علاقة الزوجية الخاصة. و هو دائم و منقطع

ب- ملك يمين.

و يتحقق الدائم بقول الزوجة للزوج: «زوجتك نفسى على كذا» و قول الزوج بعد ذلك: «قبلت الزواج على كذا».

و المنقطع بقولها: «متعتك نفسى على كذا، لمدة كذا» و قول الزوج بعد ذلك: «قبلت التمتع على كذا، لمدة كذا».

و يلزم فى الايجاب و القبول ان يكونا لفظيين كما يلزم فى الايجاب ان يكون بلفظ الزواج أو النكاح.

و فى تحقق الزواج الدائم بلفظ التمتع اشكال. و المشهور اعتبار العربية و الماضوية فى اجراء العقد.

و لا يلزم فى الايجاب تقدمه على القبول بل يجوز ان يكون الايجاب من الزوج و القبول من الزوجة و ان كان الاحتياط

أمرا لا ينبغى الحياد عنه.

و ليس من اللازم على الزوجين مباشرة العقد بأنفسهما بل يجوز لهما التوكيل فى ذلك. و لا مانع من كون الوكيل واحدا

عن الطرفين، بل يجوز ان يكون الزوج و كيلا عن الزوجة فيجرى الايجاب بالوكالة و القبول بالاصالة، كما يجوز ان

تكون هى و كيلا عنه فتوجب بالاصالة و تقبل بالوكالة.

و إذا لم يباشر الزوجان العقد و أوكلاه إلى الغير فلا يجوز لهما الاستمتاع الجنسي بما فى ذلك النظر الا بعد الاطمئنان

باجراء الوكيل للعقد. و لا يعتبر فى صحة النكاح عندنا الاشهاد.

و يلزم فى صحة نكاح البكر مضافا إلى موافقتها موافقة وليها، و هو أبوها أو جدها لأبيها. و اما الثيب فتكفى موافقتها.

و المستند فى ذلك:

١- اما ان جواز الاستمتاع يثبت بالنكاح و ملك اليمين، فهو من واضحات الفقه و يدل عليه قوله تعالى: «والذين هم

لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم»^١

و اما ان النكاح هو العقد المذكور و ليس الوطء فهو المشهور. و يشهد له الكتاب العزيز، فانه لم يعهد فيه استعمال لفظ

النكاح فى الوطء.

و اما انقسامه الى الاقسام الثلاثة فهو من ضروريات المذهب بل الدين. و يأتى بيان الدليل على شرعية النكاح المنقطع

فيما بعد إن شاء الله تعالى.

نکاح^۱ و برخی از احکام آن
اگر کسی بخواهد از زنی استمتاع ببرد از دو راه امکان دارد:
الف: با آن زن به صورت دائم یا موقت ازدواج کند.

ب: زن را به ملک یمین خود در آورد.

تعریف نکاح

نکاح^۲ در لغت از «نکح» اخذ گردیده و به معنای ملاقات و به هم رسیدن است و در اصطلاح شرع عبارت است از: انشاء^۳ عقد مخصوصی که سبب ایجاد رابطه و علقه زوجیت بین زن و مرد می شود.

اقسام نکاح

الف: نکاح دائم: به عقدی گفته می شود که زوجیت استمرار دارد و تعیین زمان نشده است.

ب: نکاح منقطع (موقت): عقدی است که زمان خاصی برای آن تعیین شده است و با انقضاء یا بذل مدت، منفسخ می شود.

۱. نکاح از مستحبات مؤکد است و آنچه در تشویق بر آن و در مذمت بر ترک آن وارد شده از نظر کثرت، قابل شمارش نیست؛ پس از مولای ما امام باقر (علیه السلام) است که فرموده: «حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرموده بنایی در اسلام بنا نشده که در نزد خدای عزّ و جلّ محبوبتر از ازدواج نمودن باشد». و از مولای ما امام صادق (علیه السلام) است که: «دو رکعت نمازی که شخص متزوج می خواند از هفتاد رکعتی که شخص عزب می خواند بهتر است». و نیز از امام صادق (علیه السلام) است که فرمود: «پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است رذله‌های مرده‌های شما عزبها هستند». و در خبر دیگر از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است که «اکثر اهل آتش عزبها هستند». و سزاوار نیست که فقر و احتیاج مانع از ازدواج باشد، بعد از آنکه خدای عزّ و جلّ وعده فرموده که غنی می کند و گشایش (در زندگی) می بخشد به قول خودش عز من قائل «اگر فقیر باشنند خداوند ایشان را از فضلش غنی می کند». پس از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است که: «کسی که ازدواج را به خاطر ترس از احتیاج ترک نماید تحقیقاً بدگمان به خدای عزّ و جلّ شده است» تحریر الوسيلة - ترجمه؛ ج ۳، ص: ۴۲۱.

۲. این لغت در آیات قرآن و احادیث اسلامی وارد شده است و می خواهیم بدانیم اگر بدون قرائن حالیه و مقالیه به کار برده شود، معنی آن چیست؟ در اینجا ارباب لغت و فقها در معنی کلمه نکاح شدیداً اختلاف دارند و این اختلاف بر محور چهار قول دور می زند:

۱- حقیقت در عقد است (نکاح یعنی عقد نکاح).

۲- حقیقت در آمیزش جنسی و مواقعه است.

۳- مشترک بین عقد و مواقعه است.

۴- در هیچ کدام حقیقت نیست و این معنی مجاز است، و بعضی گفته اند که معنی حقیقی آن «اختلاط» (مخلوط شدن) است، (نکحت المطر الارض یعنی باران با زمین مخلوط شد) و چون اختلاط افراد انسان با یکدیگر است به آن نکاح گفته اند و یا معنی حقیقی آن «الالتقاء» (ملاقات کردن) است (تناکحت الجبال یعنی کوهها به هم رسیدند)، و بعضی گفته اند که معنی اصلی «انضمام» است (تناکحت الأشجار إذا انضم بعضها ببعض)

۳. جمله انشایی به جمله ای گفته می شود که انسان با آن معانی جدیدی را ایجاد می کند.

صیغه‌های نکاح

صیغه نکاح دائم

در عقد دائم از الفاظی مانند «انکحت و زوجت» استفاده می‌شود و نیاز به ایجاب و قبول^۱ دارد به این گونه که زوجه خطاب به زوج می‌گوید: «زوجتک نفسی علی کذا...» و زوج بعد از آن می‌گوید: «قبلت الزواج علی کذا...»

صیغه نکاح منقطع

در عقد منقطع از الفاظی مانند «تمتت» استفاده می‌شود به این گونه که زوجه خطاب به زوج می‌گوید: «تمتتک نفسی علی المهر العلوام لمدۀ کذا» و سپس زوج می‌گوید: «قبلت التمتع علی المهر المعلوم، لمدۀ کذا»

اعتبار لفظ در ایجاب و قبول

باید ایجاب و قبول به صورت لفظ بیان شود^۲ و مجرد توافق و رضایت طرفین صحیح نمی‌باشد. نکته: ایجاب در عقد دائم باید با لفظ «زوجت یا انکحت» باشد^۳ و در عقد موقت از لفظ تمتع استفاده می‌شود. و برای استفاده از لفظ تمتع در صیغه عقد دائم بین فقها اختلاف وجود دارد عده‌ای عقد دائم را با لفظ تمتع مجزی نمی‌دانند.

ماضی و عربی بودن صیغه

مشهور فقها برآنند که صیغه عقد باید به عربی خواند شود^۴ و نیز هیئت صیغه باید صورت فعل ماضی انشاء شود. و برخی از فقها عربی بودن و ماضی بودن را برای صیغه نکاح شرط نمی‌دانند. لازم نیست بین ایجاب و قبول ترتیب رعایت شود لذا جایز است ابتدا، قبول و سپس، ایجاب، تحقق یابد؛ گر چه احتیاط مستحب آن است که قبول بعد از ایجاب، محقق شود.

جواز انشاء ایجاب از طرف زوج

زوج می‌تواند صیغه عقد را انشاء کند و زوجه آن را قبول کند.

۱. صیغه ای که زن می‌خواند ایجاب، و قول مرد، قبول است.

۲. بنابراین اگر زن ایجاب را با لفظ بگوید و مرد به نشانه قبول سر یا دست خود را تکان دهد و یا افعالی مانند آن از او سر بزند مانند حلقه به دست کردن، در این حالت عقد منعقد نمی‌شود زیرا باید ایجاب و قبول لفظی باشد.

۳. بنابراین زن نمی‌تواند در ایجاب بگوید: «حللت نفسی علی کذا».

۴. در عربیت صیغه عقد چند قول وجود دارد:

۱- عربیت معتبر و به زبانهای دیگر نمی‌توان عقد نکاح را جاری کرد. (قول مشهور)

۲- بین عربی و غیر عربی فرقی نیست و انشاء لفظی به هر زبانی کافی است.

۳- بین کسی که قادر بر اجرای صیغه عربی است و کسی که قادر نیست فرق است و عاجز می‌تواند به زبانهای دیگر بخواند که خود دو حالت دارد: الف) قادر بر توکیل.

ب) غیر قادر بر توکیل.

صورت‌های انشاء عقد

عقد به صورت‌های گوناگونی انشاء می‌شود^۱ که برخی از موارد از این قرار است:

الف: زن بالاصاله و مرد بالتوکیل عقد را انشاء کنند.

ب) زن بالتوکیل و مرد بالاصاله عقد را انشاء کنند.

ج) زن بالاصاله و مرد بالاصاله عقد را انشاء کنند.

د) هر دو بالتوکیل عقد را انشاء کنند

اگر زوجین هر دو، اجرای عقد را به شخص دیگری وکالت داده باشند تا زمانی که از اجرای عقد توسط وکیل مطمئن نشده‌اند نمی‌توانند از یکدیگر استمتاع ببرند هر چند این استمتاع نگاه کردن با لذت باشد.

فقها امامیه معتقداند که حضور شاهد در هنگام اجرای صیغه عقد لازم نیست و صحت عقد نکاح منوط به حضور شاهد نیست.

رضایت ولی زوجه

اگر زوجه باکره باشد علاوه بر موافقت خودش، موافقت پدر یا جد پدری نیز در صحت عقد لازم است اما در زوجه ثبیه (غیر باکره) موافقت پدر و یا جد پدری در صحت عقد لازم نیست و موافقت خود زوجه کافی است.

متن: النکاح و بعضی أحكامه

ترجمه: نکاح و بعضی از احکام آن

متن: جواز الاستمتاع بالمرأة یثبت بامرین:

جواز استمتاع مرد از زن از دو طریق ثابت می‌شود

متن: أ. النکاح - الزواج - و هو عقد یتضمن إنشاء علاقة الزوجية الخاصة. و هو دائم و منقطع

ب- ملک یمین.

ترجمه: الف. نکاح، یعنی ازدواج کردن، و آن عقدی است که متضمن رابطه زوجیت به صورت خاص باشد و به نکاح دائم و منقطع تقسیم می‌شود

ب. مالک شدن از طریق خرید (که عنوان کنیز را دارد)

متن: و یتحقق الدائم بقول الزوجة للزوج: «زوجتک نفسی علی کذا» و قول الزوج بعد ذلک: «قبلت الزواج علی کذا».

۱. انشاء حدّ اقل شش حالت دارد:

۱- مباشرت زوج و زوجه در انشاء عقد که اقسامی دارد

۲- بین الوکیلین باشد که متعارف در بین ما همین است.

۳- بین الولیین باشد نمونه‌اش عقد حضرت آدم علیه السلام است چون خداوند ولی همه است.

۴- یکی بالمباشرة و دیگری بالوکالة باشد

۵- یک طرف مباشرت و طرف دیگر ولایت است.

۶- مخلوطی از ولایت و وکالت باشد، مثلاً طرف زوجه وکالت است و طرف زوج ولایت است و یا بالعکس.

نکاح دائم با خطاب زن به مرد: «زوجتک نفسی علی کذا» و سخن زوج بعد از قول زن «قبلت الزواج علی کذا» محقق می‌شود.

متن: و المنقطع بقولها: «متعک نفسی علی کذا، لمدة کذا» و قول الزوج بعد ذلك: «قبلت التمتع علی کذا، لمدة کذا». ترجمه: و نکاح منقطع با «متعک نفسی علی کذا لمدة کذا» و سخن مرد بعد از آن «قبلت التمتع علی کذا لمدة کذا» تحقق پیدا می‌کند.

متن: و يلزم فی الايجاب و القبول ان يكونا لفظيين. كما يلزم فی الايجاب ان يكون بلفظ الزواج أو النکاح. ترجمه: لازم است هر یک از ایجاب و قبول با لفظ باشند و نیز لازم است در ایجاب لفظ نکاح و یا زواج آورده شود.

متن: و فی تحقق الزواج الدائم بلفظ التمتع اشکال. و المشهور اعتبار العریبة و الماضویة فی اجراء العقد. ترجمه: در تحقق عقد دائم با لفظ تمتع اختلاف وجود دارد و مشهور عربی و ماضی بودن را در اجرای عقد معتبر می‌دانند.

متن: و لا يلزم فی الايجاب تقدمه علی القبول بل يجوز ان يكون الايجاب من الزوج و القبول من الزوجة و ان كان الاحتیاط أمرا لا ینبغی الحیاد عنه.

ترجمه: و لازم نیست که ایجاب مقدم بر قبول باشد بلکه ایجاب از طرف زوج و قبول از جانب زوجه جایز است هر چند احتیاط امری است که دور شدن از آن سزاوار نیست.

متن: و ليس من اللازم علی الزوجین مباشرة العقد بأنفسهما بل يجوز لهما التوکیل فی ذلك.

ترجمه: شرط نیست که صیغه عقد توسط خود زوجین منعقد شود بلکه جایز است برای اجرای عقد وکیل بگیرند.

متن: و لا مانع من كون الوکیل واحدا عن الطرفين، بل يجوز ان يكون الزوج وکیلا عن الزوجة فیجری الايجاب بالوكالة و القبول بالاصالة.

ترجمه: و نیز مانعی وجود ندارد که یک نفر از طرف زوجین برای اجرای عقد وکیل باشد بلکه جایز است زوج از طرف زوجه وکیل باشد و ایجاب را وکالتا و قبول را به صورت اصالتا جاری کند.

متن: كما يجوز ان تكون هی وکیلة عنه فتوجب بالاصالة و تقبل بالوكالة.

ترجمه: چنانکه جایز است زوج از طرف زوج وکیل باشد و ایجاب را اصالتا و قبول را وکالتا اجرا کند.

متن: و إذا لم یباشر الزوجان العقد و أوکلاه إلی الغیر فلا يجوز لهما الاستمتاع الجنسی بما فی ذلك النظر الا بعد الاطمئنان باجراء الوکیل للعقد.

ترجمه: اگر زوجین عقد را مستقیما اجرا نکنند و به دیگری واگذار کنند (وکیل بگیرند) پس برای آنها جایز نیست از یکدیگر لذت جنسی به مقداری نگاه (یعنی حتی به مقدار نگاه کردن) ببرند مگر بعد از اطمینان از اجرای عقد توسط وکیل.

متن: و لا یتبر فی صحة النکاح عندنا الاشهاد.

ترجمه: به نظر امامیه حضور شاهد در اجرای عقد نکاح شرط نیست.

متن: و يلزم في صحة نكاح البكر مضافا إلى موافقتها موافقة وليها، و هو أبوها أو جدّها لأبيها. و اما الثيب فتكفي موافقتها.

ترجمه: و در صحت عقد نکاح دختر باکره علاوه بر رضایت دختر، رضایت ولی او نیز شرط است که پدر یا جد پدری اش می باشد اما در صحت عقد ثیب (غیر باکره) رضایت خود او کافی است.

مستندات احکام

ادله جواز استمتاع در نکاح و ملک یمین

دو دلیل برای این مطلب دلالت می کند که عبارتند از:

الف) وضوح فقهی

ب) آیه قرآن کریم: «کسانی که بر پاکی دامنشان نگهبانند مگر از طریق ازدواج و یا آنچه را که از طریق ملک یمین اخذ کرده اند»

ادله تعریف نکاح

بین فقها اختلاف وجود دارد که آیا لفظ زواج و نکاح در لغت به معنای انشاء عقد زوجیت است یا به معنای عمل جنسی و مقاربت؟ مصنف قائل است که نکاح به معنای انشاء علقه زوجیت است و برای این مدعا به دو دلیل استدلال نموده است:

الف) شهرت

ب) در هیچ جای قرآن، نکاح به معنای وطی استعمال نشده است.

بنابراین اگر نکاح در برخی موارد به معنای وطی و مقاربت جنسی به کار رود به صورت مجاز استعمال شده است.

نکته: دلیل این که نکاح به سه قسم دائم، موقت و ملک یمین تقسیم می شود، ضرورت مذهب و دین است.

متن: و المستند فی ذلک:

ترجمه: مستند در آن:

متن: ۱- اما ان جواز الاستمتاع یثبت بالنکاح و ملک الیمین، فهو من واضحات الفقه و يدل علیه قوله تعالی: «والذین

هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم»^۱

ترجمه: اما این که استمتاع به وسیله نکاح و ملک یمین جایز است، از واضحات فقه است و سخن خدای بلند

مرتبه بر آن دلالت می کند: «و آنها کسانی هستند که فروج خود را نگه می دارند مگر برای زوجها و کنیزهای خود»

متن: واما ان النکاح هو العقد المذكور و لیس الوطء فهو المشهور. و یشهد له الكتاب العزیز، فانه لم یعهد فیه استعمال

لفظ النکاح فی الوطء.

۱. معارج ۲۹ / ۳۰.

ترجمه: و اما اینکه نکاح همان عقدی است که ذکر شد نه به معنای نزدیکی کردن، پس قول مشهور است و قرآن کریم شاهد بر آن است؛ زیرا در قرآن کریم معهود نیست که نکاح در نزدیکی کردن استعمال شده باشد.
متن: و اما انقسامه الى الاقسام الثلاثة فهو من ضروريات المذهب بل الدين. و يأتي بيان الدليل على شرعية النكاح المنقطع فيما بعد إن شاء الله تعالى.

ترجمه: تقسیم نکاح به اقسام دائم، موقت و ملک یمین از ضروریات مذهب شیعه و بلکه از ضروریات دین است و دلیل شرعی بودن نکاح موقت خواهد آمد انشاء الله.

چکیده

۱. راه‌های شرعی استمتاع بر دو گونه است:

الف: نکاح

ب: ملک یمین

۲. نکاح عبارت است از انشاء علقه زوجیت.

۳. ایجاب و قبول باید با الفاظ «زوجت و انکحت» باشد.

۴. در تحقق نکاح دائم با لفظ «متع» اختلاف وجود دارد.

۵. مشهور بر آنند که صیغه عقد باید به عربی و به صورت ماضی اجرا شود.

۶. انشاء ایجاب از جانب مرد صحیح است.

۷. اجراء عقد توسط وکیل زوجین جایز است.

۸. عقد دائم یا موقت نیاز به حضور شاهد ندارد.

۹. در صحت نکاح باکره موافقت ولی او شرط است برخلاف نکاح ثیب.

۱۰. ادله جواز استمتاع در نکاح و ملک یمین عبارت‌اند از:

الف) وضوح فقهی

ب) آیه قرآن کریم

۱۱. ادله صحت تعریف نکاح عبارت‌اند از:

الف) شهرت

ب) استعمالات قرآن

ساختار

نکاح: عقدی که متضمن ایجاد علقه زوجیت است.
راه های شرعی استمتاع
ملک یمین: کنیزی که از راه شرعی در اختیار مولا قرار گیرد.

ایجاب و قبول لفظی
برخی از شرایط صحت عقد
استفاده از الفاظ «انکحت و زوجت» در عقد دائم
مشهور: عربیت الفاظ با هیئت فعل ماضی